

من فیل و کیف و لیفم

حمام نرم کثیفم

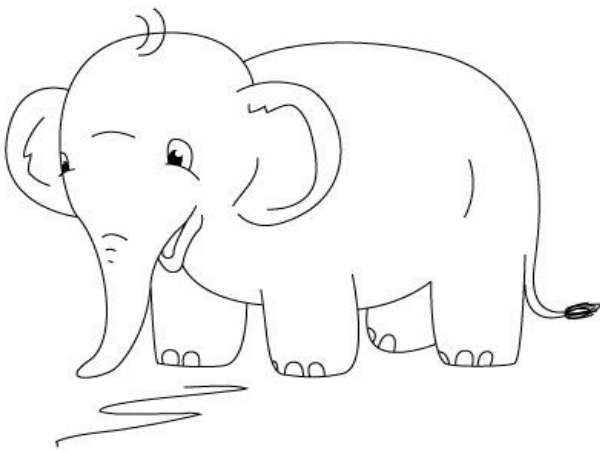
در کیف فِ یِ آخرم

در فیل غیر آخرم

جعفر تو آفتاب رفته

چراغ او بی نفته

و ف



fononika.ir

	سُفْرَه		بَرْف
سِفِید			
سُفْرَه	گُفْت	بَرْف	سِفِید
بَرْف	سِفِید	سُفْرَه	گُفْت

سر مشق: مادر نفیسه گفت:

شاید فردا برف بیارد. من

دوست دارم آدم برفی

درست کنم. پدر فرشته گفت:

فراموش نکنید که گرما و نور آفتاب و فانوس آدم برفی را آب می‌کند. آن شب

فرید در دفترش یک آدم برفی کشید و فرناز آن را رنگ زد.

خ ح



خرس و خروس و خرگوش

خربزه نقطه هم روش

نقطه بالاش خدای

پایین بیاد جدای

خ ی آخر تو سیخ

در شاخ بُز یا میخ

	نَخ		سَخْت
شَاخ			
نَخ	خُون	سَخْت	شَاخ
سَخْت	شَاخ	نَخ	خُون

سرمشق: امروز مادر بزرگ با آرد و آب خمیر درست کرد. با خمیر گره نان

خوبی پخت. نان را با خامه برای پدر بزرگ برد. او کنار بخاری نشسته بود و

آخبار گوش می کرد. امروز او سخت کار کرده بود و با تخته و میخ برای

دخترش یک کتابخانه ساخته بود و کمی خسته شده بود.